



ندای انقلاب

۸

انقلابی انسانی
برای
یک حکومت انسانی

حزب کمونیست کارگری ایران

ویژه خارج کشور

چهارشنبه ها منتشر میشود

nedaye_enghelab@yahoo.com

چهارشنبه ۶ مهر ۱۳۸۸ / ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۹

سر دبیر: حسن صالحی



دو روز اعتراض با
شکوه علیه
حضور احمدی نژاد
در نیویورک

مصاحبه بایدی محمودی مسئول حزب در
آمریکای شمالی

ندای انقلاب: طی روزهای ۲۳ و ۲۴ سپتامبر ۲۴
همزمان با حضور احمدی نژاد برای شرکت در
جلسه سازمان ملل، در مقابل مقر سازمان ملل
در نیویورک تعداد زیادی دست به اعتراض
زدند؟ حزب کمونیست کارگری یکی از فراخوان
دهندگان این تظاهرات بود. شما خود آنجا بودید.
لطفا بگویند در این دو روز چه گذشت؟

یدی محمودی: با سلام به خوانندگان عزیز ندای
انقلاب. حضور سران جمهوری اسلامی همیشه
با اعتراض مخالفین آن و از جمله حزب
کمونیست کارگری ایران روبرو شده، و هیچگاه
سران رژیم نتوانسته اند بدون درد سر پا به
خارج کشور بگذارند، اما تفاوت اعتراضات
اینبار به احمدی نژاد با دوره های قبل در این
است که امروز در خود ایران روزی نیست که
مردم به خیابان نیابند و علیه احمدی نژاد و خامنه
ای و کل حاکمیت رژیم اسلامی اعتراض نکنند،
همین اوضاع ایران باعث شد که امسال
اعتراض به احمدی نژاد اعتراضی جهانی و
هزاران نفره باشد. در نیویورک از سه شنبه یعنی
روز ورود احمدی نژاد به آنجا اعتراضات پا
گرفت و هر جا قدم گذاشت با اعتراض مردم
روبرو شد. روز چهارشنبه از صبح زود
ایرانیان معترض به احمدی نژاد از شهرهای
مختلف آمریکا، کانادا و حتی بعضی ها از اروپا
خود را به اینجا رسانده بودند. یکی از دوستان
می گفت که پلیس نیویورک تعداد معترضین
روز اول را تا ۳۰ هزار نفر برآورد کرده است
که اکثریت آنان ایرانیان خارج کشور بودند. روز
نوم حدود ۳ هزار نفر بودند که بیشتر آنان از
سازمانهای پیهودی اسرائیلی بودند. تا جایی که به
ما فعالین حزب از آمریکا و کانادا هم بر میگردد،
در هر دو روز اعتراض ما حضور بسیار فعالی
داشتیم. هزاران نسخه از اطلاعیه های حزب را
در بین مردم پخش کردیم، میز کتاب بسیار
بزرگی از ادبیات و نشریات حزب را برپا کرده
بودیم که صدها نفر از آن بازدید کردند، و ادبیات
حزب را خریدند. اعضا و کارهای حزب از

در صفحه ۳

از نیویورک تا تهران! علیه احمدی نژاد و رژیم جنایتکار اسلامی



تظاهرات ۲۳ سپتامبر در نیویورک علیه احمدی نژاد



تظاهرات ۲۸ سپتامبر (۶ مهر) در دانشگاه تهران بر علیه احمدی نژاد

مراسم با شکوه سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در تورنتو - کانادا

روز یکشنبه ۲۰ سپتامبر از سوی کلون خاوران مراسم سالگرد قتل عام
زندانیان سیاسی در میدان مل لستمن در تورنتو برگزار شد. در این
مراسم بیش از هزار نفر شرکت داشتند.
در صفحه ۴

میز همبستگی با جنبش انقلابی مردم ایران

مهران محبوبی

بیش از ۸ هفته می شود که میز "همبستگی با جنبش مردم ایران" را در
تورنتو کانادا دایر نموده ایم و همچنان ادامه می دهیم. روز های شنبه
هر هفته ساعات ۶ تا ۹ شب در مرکز شهر تورنتو، محلی که بیشتر
در صفحه ۳

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!



آزادی احزاب
سیاسی و اهمیت
حزب

مصاحبه با حمید
تقوایی لیدر حزب کمونیست کارگری ایران

ندای انقلاب: حزب کمونیست کارگری ایران
طرفدار آزادی بدون قید و شرط احزاب سیاسی
در ایران است. این با توجه به تجربه تلخ
"کمونیسم" تا کنون موجود که به آنها جوامع
تک حزبی اطلاق می شود، تجربه کاملاً
متفاوتی از کمونیسم را به عموم نشان می دهد
و ممکن است سنوالاتی را هم برانگیزد.
بگذارید پرسیم چرا حزب کمونیست کارگری
ایران به آزادی احزاب سیاسی اعتقاد دارد؟

حمید تقوایی: در یک سطح عمومی و اصولی
پاسخ به این سؤال خیلی ساده است: ما به آزادی
احزاب سیاسی اعتقاد داریم چون به آزادی و
رهائی انسان در تمامی عرصه ها معتقدیم
چون آزادی واقعی و تمام و کمال همه مردم،
همانند برابری همه انسانها، جزئی از آرمان و
جهان بینی ما است.

در سطح اصول عقیدتی همین پاسخ شاید کافی
باشد اما از نظر سیاسی باید موضوع را بیشتر
توضیح بدهم چون آزادی هم مثل سایر اصول
آرمانی ما تنها یک ایده آل انتزاعی و بی ربط
به مبارزه هر روزه ما نیست، بلکه مستقیماً به
فعالیت های سیاسی و عملی و هر روزه حزب
مربوط میشود. حزب خواهان آزادی احزاب
سیاسی است چون توده مردم بویژه کارگران به
این آزادی نیاز دارند. در رژیم های دیکتاتوری
نظیر ایران، چه در دوره نظام سلطنتی چه
امروز، مخالفت سیاسی با حکومت در هیچ
سطحی تحمل نمیشود و در نتیجه آزادیهای
سیاسی و از جمله آزادی تشکیل حزب و تحزب
وجود ندارد. در این نوع رژیمها چنان درجه
شدیدی از استثمار و غارت اموال عمومی
جامعه و چنان شکاف عظیمی میان فقر و
ثروت برقرار است که طبقه حاکمه برای حفظ
حکومت نیازمند اعمال شدیدترین و وحشیانه
ترین دیکتاتوریها است. در مقابل، طبقه کارگر
برای رها کردن خود و کل جامعه از این
وضعیت به وسیع ترین آزادیها نیازمند است و

در صفحه ۲

از صفحه ۱
مصلحه با حمید تقوایی

مبارزه برای آزادی احزاب یک رکن این جنگ است. ما این آزادی را فقط برای کمونیستها و یا طبقه کارگر نمیخواهیم. همه احزاب باید آزاد باشند تا جامعه قدرت انتخاب واقعی و آگاهانه داشته باشد. ما معتقدیم در جامعه ای که تشکیل و فعالیت سیاسی برای هر نوع حزب و با هر برنامه و سیاستی آزاد باشد آنوقت حزبی که در برنامه و سیاستها و عملکردش امحای کلیه تبعیضات و نابرابریها و آزادیهای بی قید و شرط و لغو استثمار و در یک کلام سازماندهی جامعه حول انسان و انسانیت، و نه سودآوری سرمایه، را نمایندگی کند، حزبی نظیر حزب کمونیست کارگری، از جانب اکثریت عظیم مردم انتخاب خواهد شد. بنابراین ما عمیقا معتقدیم که آزادی احزاب و فعالیت سیاسی کاملا به نفع توده کارگران و اکثریت عظیم محروم جامعه و حزبی نظیر حزب ما است که این اکثریت عظیم را نمایندگی میکند.

نکته دیگر اینکه این اعتقاد و تعهد ما به آزادی احزاب (و کلا آزادی فعالیت سیاسی در همه ابعاد آن) فقط مختص دوره ای نیست که حزب در اپوزیسیون است. حزب ما زمانی که بقرت برسد نیز به این آزادیها متعهد است. تجربه تلخ جوامع تک حزبی که به آن اشاره کردید در جوامعی پیش آمد که تحت نام کمونیسم و سوسیالیسم سرمایه داری دولتی را به جامعه تحمیل کردند. هم در شوروی سابق و جوامع متعلق به بلوک شوروی هدف و برنامه صنعتی کردن و رشد و انباشت سرمایه دولتی دنبال شد و هم در چین و دیگر "کمونیسمهای موجود". پیش برد این سیاست مستلزم سرکوب کمونیستهای واقعی تحت نام کمونیسم (نظیر آنچه در شوروی در دوره استالین اتفاق افتاد)، لغو آزادیهای سیاسی و ایجاد یک قدرت متمرکز دولتی است. اینکه

دلایل این امر چه بود از حوصله این بحث خارج است (خواننده علاقمند میتواند به بولتن مباحث مارکسیسم و مساله شوروی رجوع کند)، در هر حال امروز در شرایط و دوران کاملا متفاوتی به سر می بریم کمونیسم کارگری، کمونیسم این دوره است. کمونیسمی است که نه تنها نقد عمیق و انسانی مارکس به سرمایه داری در هر شکل آن را نمایندگی میکند بلکه یک ویژگی مهم آن نقد عمیق کمونیسم نوع روسی و چینی است. کمونیسم کارگری جنبشی

دنیا بهتر و سیاستها و مواضعمان، بلکه در پراتیک و مبارزه هر روزه مان نیز نشان داده ایم

- در بسیاری از جوامع غربی سنتهای حزبی قوی است و می توان گفت که گرایشات سیاسی مختلف از طریق احزاب نمایندگی می شود. ولی در ایران مسئله کمتر به این شکل است. برخی حتی معتقدند که جامعه ایران بجای اینکه بر محور حزبی بچرخد بیش از اندازه به افراد و شخصیتهای سرشناس و بی حزب، توسل و تکیه می کند؛ شما ارزیابی تان

نقدی کار فردی و غیر متشکل از جانب برخی از روشنفکران است که این نیز بنوبه خود بعنوان یک مانع بر سر راه سازمانیابی حزبی خود را نشان میدهد اما این خود یک عارضه دیکتاتوری است و نه عامل اصلی ضعف سنت حزبی در هر حال این حزب گریزی یک گرایش عمومی در جامعه نیست و نباید از وجود چنین طرز فکری در نزد برخی روشنفکران به این نتیجه رسید که گویا جامعه علی العموم به حزبیبت توجهی ندارد و به اشخاص و شخصیتهای

همه احزاب باید آزاد باشند تا جامعه قدرت انتخاب واقعی و آگاهانه داشته باشد. ما معتقدیم در جامعه ای که تشکیل و فعالیت سیاسی برای هر نوع حزب و با هر برنامه و سیاستی آزاد باشد آنوقت حزبی که در برنامه و سیاستها و عملکردش امحای کلیه تبعیضات و نابرابریها و آزادیهای بی قید و شرط و لغو استثمار و در یک کلام سازماندهی جامعه حول انسان و انسانیت، و نه سودآوری سرمایه، را نمایندگی کند، حزبی نظیر حزب کمونیست کارگری، از جانب اکثریت عظیم مردم انتخاب خواهد شد.

از سنت حزب یابی در ایران چیست؟

- در این شکی نیست که در جامعه ایران سنت کار حزبی بسیار ضعیف است اما به نظر من عامل اساسی این امر همانطور که در بالا اشاره کردم دیکتاتوری شدید است که دهه های متمادی بر جامعه مسلط بوده است. این دیکتاتوری، چه در رژیم سلطنتی و چه امروز با ممنوعیت و زندان و شکنجه و اعدام از تشکیل و فعالیت احزاب ممانعت کرده است و لذا اجازه نداده است که حزبیبت سنت سازمانیابی و فعالیت حزبی در ایران پا بگیرد. همیشه احزاب مخالف بویژه احزاب چپ و کمونیست ناگزیر بوده اند مخفیانه و زیر تیغ زندان و شکنجه و اعدام فعالیت کنند و طبعاً این مساله عضویت در احزاب و دامنه فعالیت احزاب را بسیار محدود کرده است. یک نتیجه جانبی این وضعیت شکل گرفتن یک نوع تنوریهای حزب گریزانه و

سیاسی روی آور میشود. در دوره های کوتاهی که دیکتاتوری تضعیف شده، مثل در سالهای سی و یاپکی نوسال بعد از انقلاب ۵۷ فعالیت حزبی نیز وسعت گرفته و با استقبال مردم هم مواجه شده است. بنابر این اساس مساله اختناق و دیکتاتوری است و نه گرایشهای فکری و نظری در جامعه.

- خود شما سالهای سال هست که فعالیت حزبی متشکل می کنید. از زاویه تجربه شخصی خویشان و از منظر یک نگاه کلی تر توضیح دهید که چرا فعالیت متشکل حزبی مهم است و مردم چرا باید حزب کمونیست کارگری را انتخاب کنند؟

- به نظر من تشکیل حزب کمونیست ایران و بعد حزب کمونیست کارگری در دوره دیکتاتوری جمهوری اسلامی جواب عملی و اجتماعی به این مساله حزب گریزی در ایران بوده است.

حزب کمونیست ایران در سال ۶۱ و دوره سرکوبها و کشتارهای شدید بعد از سی خرداد شصت تشکیل شد و افق و خط و جهت روشنی در برابر کل جنبش چپ قرار داد. تشکیل حزب کمونیست در شرایطی که بسیاری از فعالین چپ در زندانها بودند امید را در دلها زنده کرد و حیات تازه در تن جنبش کمونیستی دمید. این حزب که در مناطق آزاد کردستان تشکیل شد با برنامه و سیاستهای روشن در برابر جمهوری اسلامی که فکر میکرد جنبش چپ را، اگر نه در کردستان ولی در بقیه مناطق ایران، در هم کوبیده است، قرار گرفت و اجازه نداد در عرصه سیاست ایران جمهوری اسلامی و نیروهای اپوزیسیون راست بیکه تاز شوند. به نظر من هم نفس تشکیل حزب در آن شرایط و هم سازماندهی و فعالیتهای مبارزاتی حزب در سطح کردستان و در سطح سراسری، نقش تعیین کننده ای در تقویت موقعیت جنبش کارگری و اهداف و سیاستها

جنبش چپ در جامعه ایفا کرد. با آغاز فروپاشی شوروی و در مقطع جنگ خلیج یکبار دیگر جنبش چپ و کمونیستی، این بار در ابعادی جهانی و همه جانبه تر، تحت فشار و تعرض قرار گرفت. در این دوره نیز جواب منصور حکمت، رهبر و نظریه پرداز کمونیسم کارگری، تشکیل حزب کمونیست کارگری بود که در واقع از دل حزب کمونیست و برای پاسخگویی به شرایط تازه سر بر آورد. تاثیر تشکیل این حزب بر شرایط سیاسی ایران، و در سطح جهانی در عرصه های مختلفی که حزب درگیر مبارزه بوده است، بسیار برجسته و تعیین کننده است. اگر امروز جمهوری اسلامی و کل نیروهای راست در مورد شبح کمونیسم به یکدیگر هشدار میدهند، اگر اعتصابات و مبارزات کارگری وسعت گرفته و از تریبون نماینده و سخنگوی خود برخوردار است، اگر شعار آزادی و

از صفحه ۱
مصاحبه بایدی محمودی

جمله بلبک یزدی، ایرج رضایی، رضا رضایی، سعید صالحی نیا، امیر زاهدی و خود من در میان مردم به سخنرانی و گفتگو با خبرنگاران پرداختیم و ساعتها با بلندگوهای دستی علیه رژیم و جنایتشان شعار دادیم و مردم را تشویق به ادامه مبارزه تا سرنگونی کامل این رژیم کردیم. روز اول تظاهرات یکی از فعالین حزب متوجه یکی از طرفداران رژیم اسلامی می شود که با پرچم جمهوری اسلامی در میان مردم می گردد که بلافاصله با اعتراض فعالین حزب روبرو شد، پرچم را از او گرفتیم و در میان شادی و شعارهای کوبنده مردم و تظاهرات کنندگان پرچم جمهوری اسلامی بعنوان نماد ۳۰ سال شکنجه، اعدام و تجاوز به ابتدائی ترین حقوق مردم ایران را به آتش کشیدیم که دهها نفر از آن عکس و فیلم تهیه کردند.

- شما عواقب سیاسی سفر احمدی نژاد به نیویورک را چگونه ارزیابی می کنید؟ با خبر شدیم که وزیر امور خارجه کانادا انتقادات شدیدی را علیه رژیم اسلامی مطرح کرده است.

- ببینید جمهوری اسلامی در شرایطی به حیات نتگین خود ادامه می دهد که به حق مورد نفرت میلیونها نفر از مردم ایران و جهان است. در هنگام سخنرانی احمدی نژاد هم بسیاری از سران و نمایندگان کشورها جلسه را در اعتراض به او ترک کردند و عملا او برای صندلی های خالی سازمان ملل سخنرانی کرد. قطعا اعتراض بسیاری از کشورها از جمله کانادا قبل از هر چیز به سخنان تند احمدی نژاد در مورد اسرائیل بود، اما کشورهای غربی هم با تمام ریکاریهایشان صدای انقلاب مردم ایران را شنیده اند و نمی خواهند زبانی در افکار عمومی با جنایتکاری مثل احمدی نژاد ظاهر شوند. البته باید این را هم

افزافه کرد که کانادا بدلیل اختلافات پیشین خود با ایران و از جمله قتل زهرا کاظمی در زندان اوین تا هم اکنون بارها به ایران اعتراض کرده و در محکومیت رژیم اسلامی به سازمان ملل قطعنامه برده است. به نظرم احمدی نژاد با سفر خود به نیویورک نه تنها نتوانست فشار افکار عمومی جهان و دولتها را بر خود کاهش دهد، بلکه بیشتر و بیشتر باعث بی آبرویی و انزوی سیاسی رژیم اسلامی شد، و بخصوص اینکه او با بزرگترین

اسلامی را بدلیل برنامه های هسته ای اش پشتت مورد انتقاد قرار دادند و اینبار حتی چین و روسیه نیز در این اعتراض نسبت به مرکز جدید غنی سازی اورانیوم در ایران سهیم بودند. خلاصه کنم سفر احمدی نژاد به نیویورک به یک شکست کامل برای رژیم اسلامی تبدیل شد.

در حاشیه سفر احمدی نژاد بلبک یزدی نامه ای نوشته بود به آقای کورش پارسا و از ایشان انتقاد کرده است که چرا به نمایندگانی از حزب و چند



نهاد دیگر اجازه سخنرانی نداده است؟ خیلی مختصر بگویید که جریان چه بود؟

- ببینید ما در اعتراضات این دوره در خارج کشور یا حداقل در آمریکای شمالی که من درگیر آن بوده ام، سعی کرده ایم هر جا که بلندگو داریم آن را هم در اختیار همه مخالفین جمهوری اسلامی قرار بدهیم. این به ما کمک کرده که هزاران نفر از مردم عادی که به خیابان آمده اند احزاب سیاسی را بشناسند و از طرف دیگری هم آزادی بی قید و شرط سیاسی را نه تنها در حرف، بلکه در عمل اجرا کنیم. ما شاید به جرات بتوان گفت که تنها جریانی بوده و هستیم که همیشه گفته ایم که احزاب ساسی باید با بنر و پرچم خود در اجتماعات ظاهر شوند، و راستش را بخواهید این را به بسیاری از احزاب و جریانات هم تحمیل کرده ایم. در مورد مسئله نیویورک هم ما تلاشمان این بود که جدا از بلندگوهای حزب، بتوانیم از بقیه

تریونها هم صدای خودمان را

به مردم برسانیم، و یکی از جریاناتی که انجا تریون داشتند همین جریانی بود که آقای پارسا یکی از سازماندهندگان آن بود. بلبک یزدی در پیامی به آقای پارسا خواسته بود که به نمایندگانی از حزب و دو نهاد دیگر امکان سخنرانی بدهد، اما آقای پارسا در جواب با کمال بی شرمی پیامی فرستاده بود که نه تنها امکان سخنرانی نخواهیم داد، بلکه ما باید از بردن بنر و پرچمهای قرمز به تظاهرات نیز خودداری کنیم، چرا که تنها برهه های سبزو پرچم شیرو خورشید می تواند در تظاهراتها حمل شود. بهرحال بلبک یزدی همان روز برایشان نامه ای نوشت که بعد در سایتیهای مختلف هم این نامه منتشر شد.

اما مسئله جلوگیری از بردن پرچم و بنرهای احزاب سرنگونی طلب و از جمله حزب کمونیست کارگری ایران در تظاهراتهای خارج کشور مسئله ای نیست که تنها شامل آقای پارسا و کسانی شود که خود را به ظاهر طرفدار دمکراسی می دانند. کل طیف دوحزادیهای قدیم و سبزپوشان امروز، اکثریتی و توده ایها و طرفداران خجول جمهوری اسلامی در خارج کشور در تمام این مدت سه ما گذشته همیشه یکی از شغلهای نا شریفشان این بوده که مردم به جان آمده از جمهوری اسلامی و سرنگونی طلبان را تحت فشار قرار دهند. اما با گسترش اعتراضات در ایران و رادیکالیزه شدن فضای خارج کشور، اتفاقا این خود آنها هستند که روز به روز منزوی تر می شوند. ما در تظاهرات نیویورک هم دیدیم که فضای حاکم بر تظاهرات دهها هزار نفره مردم اعتراض به کلیت جمهوری اسلامی بود و نه تنها اکثر احزاب سیاسی با بنر و پرچمهای خود آمده بودند، بلکه هزاران نفر از مردم و هر کسی به ابتکار خود پارچه ای، مقوای، و بنری را در مخالفت با جمهوری اسلامی و حضور احمدی نژاد قاتل با خود آورده بود.

از صفحه ۱

میز همبستگی با جنبش انقلابی

ایرانی ها جمع اند بنام "نورت یورک" را برای اینکار انتخاب کرده ایم. چنین تصمیمی همان پاسخی بود که Iran Solidarity برای جواب به ندای جنبش انقلابی مردم ایران داد و ما هم دنبال آنرا گرفتیم. با بنر و آفیش و میزی که برای آن از قبل تهیه نموده بودیم، کارمان شروع شد. با چاپ و پخش اطلاعیه هایی که از سایت روزنه و خود سایت "Iran Solidarity" بستمان می رسید کارمان پیش رفت. صندوق کمک مالی تنها تا بحال فقط برای تامین مخارج چاپ کفاف داده است. با شروع بموقع نشریه ندای انقلاب کارمان به ابعاد دیگری رسید.

هدف و ایده این میزهای "همبستگی با جنبش انقلابی مردم ایران" از طرف خودمان پر کردن جایی بود که می بینیم خالی است. در پس جنگ های ایدئولوژیکی و جنگ پرچم ها سعی ما هر چه تقویت کردن روح خود جنبش انقلابی مردم و رساندن خواسته های آن بگوش مردم هر چه بیشتر در خارج کشور بود. اطلاعیه هایی که از طرف نهاد های مختلف از طریق روزنه بستمان می رسید کارمان را صد چندان سهل و آسان کرده بود. ما پیش بینی می کردیم که وقتی جنبش انقلابی به فاز دوم برسد برای تعیین بخشیدن به آن کار ما حساسیت بیشتری پیدا خواهد کرد، که این هم شد. ندای انقلاب به تیراژ ۳۰ عدد هر هفته دیگر جواب گو نیست. این هفته تصمیم داریم شماره شش ندای انقلاب را به صد برسائیم. در بحث های مختلفی که با مراجعه کنندگان کرده ایم متوجه شدیم که دیگر القاب گرایشات سیاسی عوض شده اند و باید با یک برداشت دیگر به کار خود ادامه دهیم. در این حیث ما هیچ کم نمی آوریم با بحث های دقیق حمید تقوایی مرتب آپدیت می شدیم تا راهمان را پیدا کنیم. برای مثال یک خانمی با

از صفحه ۱

گزارش مراسم یادبود خاوران

در این مراسم نمایندگان از طرف نهادها و کانونهای مختلف سیاسی چون "حقوق بشر و دموکراسی در ایران، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، کانون خاوران و سازمان مجاهدین خلق" به زبانهای انگلیسی و فارسی سخنرانی کردند.

محسن ابراهیمی، یکی از سخنرانان در بخشی از صحبت های خود چنین گفت: "ما که امروز به یاد این عزیزان این جا جمع شده ایم، به یادشان عزا نمیگیریم یادشان و راهشان را گرامی میداریم و اعلام میکنیم که بهترین گرامیادداشت یاد این

عزیزان این است که انقلابی را که امروز آغاز شده است به ثمر برسانیم؛ که نگذاریم آرمانها



و مطالبات انسانی زنان و جوانان و کارگران در انقلابی که آغاز شده است توسط یک ضد انقلاب دیگر چه از درون رژیم اسلامی و چه از بیرون این رژیم ملاحور شود؛ که

هیچ خدایی و هیچ مذهبی و هیچ مقتدای مزاحم هیچ بخشی از مردم شود؛ هیچکس به خاطر هیچ عقیده ای پشت هیچ حصاری نباشد. جامعه ای بسازیم که در آن زن بودن جرم نیست؛ آزار زن جرم است. جوان بودن جرم نیست؛ ربودن نوره جوانی جرم است. عشق ورزیدن جرم نیست؛ سنگسار عشق و انسانیت جرم است. جامعه ای بسازیم که در آن بی پولی جرم نیست؛ بالا کشیدن دارو و درمان و نان سفره شان به خاطر بی پولی جرم است. تشکل و اعصاب و اعتراض کارگران جرم نیست؛ بریدن زبان کارگر جرم است. جامعه ای بسازیم که در آن:

بهایی و مسیحی و زرتشتی و خدایپرست و آته نیست و کمونیست بودن جرم نیست؛ آزار و ارباب و کشتار انسانها به این جرمها جرم است. روشن است که اولین و مهمترین سد در مقابل رسیدن به چنین جامعه ای، همین لاشه گندیده یعنی جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی با واواک و ساواما و ناجا و نوپو و سازمانهای امنیت مخفی و علنی و گارد ویژه و بسیج و زندان و قضات شرع دیروز و امروز و آخوندهایی که دیروز آمد میکشند و امروز اصلاح طلب شده اند؛ جمهوری اسلامی با تمام جناحهایش"

از صفحه ۲

صاحبیه با حمید تقوایی

برابری بر پرچم جنبش دانشجویی نقش بسته، اگر مبارزه علیه اعدام و سنگسار و شکنجه در جامعه ابعاد گسترده ای یافته، و اگر نفاق از کودکان به یک سنت مبارزاتی در جامعه تبدیل شده همه به این خاطر است که حزبی با برنامه و سیاستهای روشن و با نقشه عملها و پراوتیک و مبارزه پیگیر در همه این عرصه ها حضور داشته و پیگیرانه به پیش رفته است. به نظر من هر کس با شرایط سیاسی ایران اندک آشنائی داشته باشد میدانند که بدون حضور و فعالیت حزب کمونیست کارگری صحنه سیاسی در ایران کاملا به نفع راست و به ضرر توده کارگرو مردم محروم جامعه تغییر میکرد. این تجربه عظیم نشاندهنده نقش و اهمیت تعیین کننده ای

است که حزب و حزبیت بخصوص برای طبقه کارگر دارد. حزب و سنت حزبی همانطور که بالاتر اشاره کردم، در یک سطح عمومی و برای کلیه جنبشها و طبقات یک ضرورت سیاسی است.

در یک جامعه حزبیت یافته که آزادی فعالیتها سیاسی برسمیت شناخته شده توده مردم این امکان را دارند که با چشمان باز و کاملا آگاهانه منافع خود را تشخیص بدهند و حزب خود را انتخاب کنند. اما این امر برای طبقه کارگر و جنبش چپ بسیار حیاتی تر از جنبش های راست و طبقات دیگر است چرا که کارگران بر خلاف طبقات دیگر، نمیتوانند بر سنتهای فکری و سیاسی عقب مانده موجود در جامعه طبقاتی مثل مذهب و ناسیونالیسم متکی شوند. کمونیسم کارگری جنبشی خلاف

جریان است، مخالف و منتقد کلیه سنتها و فرهنگ سیاسی و اجتماعی غالب بر جوامع طبقاتی است و ازینرو به حزب و فعالیت متشکل حزبی نیازی حیاتی دارد. در یک کلام آنچه هم از لحاظ نظری و هم در تجربه سی ساله بر من روشن شده اینست: مبارزه برای آزادی و برابری و سوسیالیسم و مبارزه برای تحقق جامعه انسانی بدون تشکیل حزب و خارج از حزب ممکن نیست و هر اندازه در یک سطح عمومی برای همه احزاب و گرایشهای سیاسی در جامعه تحزب و فعالیت حزبی ممکن باشد، مبارزه ما کمونیستها نیز بهتر و موثرتر به پیش میرود. طبقه کارگر و کمونیستها هم بعنوان یک اصل و ایده آل انسانی و هم عملا و در مبارزه هر روزه خود به وسیعترین آزادیها متعهدند و نیازی حیاتی دارند.

حدود شعاع پنجاه متر میزبان را ببوشاند و بتوانیم با پخش موزیک و اشعار انقلابی و تریبون آزاد، سنتی را از خود بجا بگذاریم. البته فصل هوای خوب تابستان اینها را امکان پذیر تر می کرد، ولی با آمدن هوای سرد تصمیم داریم در دانشگاه یورک میز هایمان را داشته باشیم تا ببینیم امکانات آنجا تا به کجا ما را یاری دهد.

از صفحه ۳

میز همبستگی با جنبش انقلابی

کمی به چالش کشیدن نظریه ملی و مذهبی اشان و رد "فرهنگ ایرانی خودمان" با دلیل ما را تایید کرد و در آغوش کشید و پشتیبانی خودش را از ما اعلام کرد. این در آغوش کشیدن ها و اشک های غرور ریختن ها بسیار شادند بوده ایم. کلا مردم چه ایرانی تبار یا خارجی همه ما را با تحسین نگاه می کردند و قدر شناسی از ما می نمودند. البته تا بحال در کمک مالی جمع کردن بسیار ضعیف بوده ایم و آن میزان هم که جمع شده خودشان بدون درخواست ما داده اند. نزدیکی که مردم به ما احساس می کنند

آنقدر است که هر بار که از این تظاهرات خیابانی بر می گردیم با انرژی بیشتری برای بار بعد طرح و نقشه می ریزیم این حال و هوای امروز مرا یاد میز های کتلی می اندازد که در اوان انقلاب در خارج کشور برپا می شد و سالها ادامه داشت، البته با یک تفاوت که اوج پاینده است. احتمال نمی دینیم که تلویزیون کارش با مانع روبرو شود، برای همین تصمیم داشتیم پروژکتوری فراهم کنیم و برنامه های تلویزیون را بصورت تصویری برای عموم در خیابان بنمایش بگذاریم. کار دیگری که در نظر داشتیم به انجام برسانیم و همچنان در پی آن هستیم گرفتن بلندگوی میان بردی که بتواند

تماس با حزب کمونیست کارگری در خارج کشور

wpiranabroad@ymail.com

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

حسن صالحی، سر دبیر نشریه
۰۰۴۶۷۰۳۱۷۱۱۰۲

نژدین برومند، دبیر خاتمه
۰۰۴۹۱۷۲۴۰۴۴۳۲۳

یدی محمودی، امریکای شمالی
۰۰۱۴۱۶۷۲۶۹۳۲۱

حسن صالحی، سوئد
۰۰۴۶۷۰۳۱۷۱۱۰۲

محمد شکوهی، آلمان
۰۰۴۹۱۷۸۵۳۹۶۵۹۴

جلیل جلیلی، انگلیس
۰۰۴۴۷۹۵۰۹۲۴۴۳۴

بهمن خانی، هلند
۰۰۳۱۶۵۱۲۷۳۲۶۱

بابک یزدی، تورنتو
۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

ستار نوری، آمریکا
۰۰۱۲۱۴۵۴۹۶۲۷۱

صابر رحیمی، نورژ
۰۰۴۷۹۸۶۹۴۰۰۱

عباس محمدی، غرب کانادا
۰۰۱۶۰۴۷۲۷۸۹۸۶

عبدل کلیریان، فنلاند
۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

یدی کوهی، فرانسه
۰۰۳۳۶۳۶۳۳۹۰۵۴

سخنرانی حمید تقوایی

در استکهلم و گوتنبرگ سوئد

انقلاب چگونه به پیش میرود؟ و چگونه پیروز میشود؟

استکهلم. جمعه ۹ اکتبر در هوسی ترف: Husby Träff از ساعت ۶ بعد از ظهر

گوتنبرگ یکشنبه ۱۱ اکتبر از ساعت ۲ بعد از ظهر در Folkets Hus

Järntorget

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - سوئد